

گفتگوهای درباری اسلامی

به اهتمام:

میرم آقاجادی

www.ketab.ir

انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
تهران: بزرگراه شهید چمران،
پل مدیریت
تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
صندوق پستی: ۱۴۶۵۵-۱۵۹
E-mail: isu.press@yahoo.com
فروشگاه اینترنتی:
www.ketabesadiq.ir



گفتگوهای در بیداری اسلامی ■ به اهتمام: میثم آقادی ■ ناشر: دانشگاه امام صادق (ع)
نمایه سازی: رضا دبیر ■ چاپ اول: ۱۳۹۲ ■ قیمت: ۸۵۰۰۰ ریال ■ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: لاله کونتر ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۲۸۲-۵
همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

سرشناسه: آقادی، میثم، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: گفتگوهای در بیداری اسلامی ■ به اهتمام: میثم آقادی
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری: ۳۲۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۲۸۲-۵
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: نمایه
موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- نظریه و اندیشه
اصلاح طلبی در اسلام
موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- پیام‌ها و سخنرانی‌ها
موضوع: اسلام - کشورهای عربی - تجدید حیات فکری
موضوع: جنبش‌ها و قیام‌ها - کشورهای عربی
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۵۷۱۶۷/۲۳۹ BP
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۸
شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۳۱۶۸۲

فهرست مطالب

۷	سخن ناشر
۹	مقدمه
۱۱	بیانات رهبر معظم انقلاب در کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین
۲۳	بیانات رهبر معظم انقلاب در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی
۳۵	فصل ۱. جامعه‌شناسی سیاسی جریان بیداری اسلامی دکتر اصغر افتخاری
۵۷	فصل ۲. مهدویت، آینده‌پژوهی و بیداری اسلامی دکتر محمدهادی همایون
۷۵	فصل ۳. جامعه‌شناسی و روش‌شناسی بیداری اسلامی دکتر کاووس سیدامامی
۹۳	فصل ۴. روابط بین‌الملل و بیداری اسلامی دکتر محمدحسن خانی
۱۰۹	فصل ۵. تحلیل محبت‌های مقام معظم رهبری و نقش ایشان در بیداری اسلامی دکتر محمدصادق کوشکی

۱۳۳.....	فصل ۶. آمار بیداری اسلامی بر بازار نفت جهان
	دکتر سعید میر ترابی
۱۵۷.....	فصل ۷. بیداری اسلامی از منظر حقوق اساسی و حقوق بشر
	دکتر توکل حبیب زاده
۱۷۷.....	فصل ۸. نقش قطر در انقلاب های اخیر جهان عرب
	کریم جعفری
۲۲۵.....	فصل ۹. فتوای بیداری اسلامی
	دکتر نجف لک زایی
۲۴۷.....	فصل ۱۰. مبانی دینی بیداری اسلامی
	حجت الاسلام والمسلمین دهقان فیروز آبادی
۲۶۱.....	فصل ۱۱. اشراکات قضی بیداری اسلامی
	حجت الاسلام والمسلمین دهقان فیروز آبادی
۲۷۷.....	فصل ۱۲. آمریکا و انقلاب مردم بین کنترل و هدایت ناموفق
	کریم جعفری
۲۹۷.....	نمایه آیات.....
۳۰۱.....	نمایه روایات.....
۳۰۵.....	نمایه اشعار عربی.....
۳۰۷.....	نمایه موضوعی و اعلام.....

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى
 أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَنَذَرُ لَهُمُ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ
 وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ
 (قرآن کریم، سوره مائده مبارکه النوری (۴۲)، آیه شریفه (۱۳))

سخن ناشر

اسلام از آن حیث که دینی جامع و کامل است و مبتنی بر فطرت پاک به ودیعه نهاده شده از سوی حضرت حق تعالی در نهاد تمامی آدمیان می‌باشد؛ دارای جذابیت و اصلاتی است که در نهایت خواهد توانست بر تمامی تاریکی‌ها و حجاب‌ها فائق آید. به همین خاطر است که خداوند متعال، ندای اسلام را برای مشرکان بسیار سنگین و غیر قابل تحمل می‌خواند. به عبارت دیگر، سلامت، عقلانیت، رضایت‌مندی و سعادت که از ناحیه حاکمیت کلام الهی حاصل می‌آید، چنان است که تمامی عقول سلیم را به خود جذب می‌نماید و این معنای مشخص بیداری اسلامی است که مرزهای مختلف جغرافیایی را در هم نوردیده و امت‌های مسلمان و غیر از آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام در راستای انجام رسالت علمی - کاربردی خویش در ارتباط با موضوعات جاری در جامعه اسلامی و جهانی، و با عنایت به حساسیت‌های تنوریک «بیداری اسلامی» در عرصه علم و نظر، نسبت به فعال‌سازی دبیرخانه مطالعات بیداری اسلامی در حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام اقدام نموده تا با استفاده از مجموع توان علمی - تحلیلی موجود در دانشگاه و سایر مؤسسات و مراکز علمی -

پژوهشی؛ رویکردی تحلیلی نسبت به این موضوع را طرح، پی‌گیری و توسعه دهد. نتیجه این اقدام، تهیه و عرضه متون کارشناسی‌ای در قالب گفت‌وگو، مجموعه مقالات و آثار پژوهشی است که هم اکنون خدمت علاقه‌مندان نمونه‌ای از آن تقدیم شده است.

معاونت پژوهشی دانشگاه ضمن تشکر از مدیریت متمرکز دبیرخانه و مشارکت فعال اساتید، دانشجویان و محققان در این حوزه، از تمامی پژوهشگران فعال در این زمینه تقاضا دارد با ارائه نظرات اصلاحی و یا متون تحقیقاتی‌شان جهت نشر از سوی دانشگاه، ما را در تحلیل هر چه بهتر و جامع‌تر پدیده بیداری اسلامی و غنی‌سازی مفهومی و نظری موضوع یاری رسانند. امید آن که از این طریق شاهد همکاری مؤثر و مستمر دو حوزه عملی و نظری در راستای تقویت جریان بیداری اسلامی و توسعه آن در گستره جهانی باشیم. ان شاء الله

و لله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 اِنَّ يٰۤاَيُّهَا النَّبِيُّ اَمَّا اَنْ تَخْشَعَ قُلُوْبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَ مَا نَزَّلَ مِنَ الْحَقِّ وَ لَا يَكُوْنُوْا كَالَّذِيْنَ اُوْتُوْا الْكِتٰبَ مِنْ
 قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْاَمَلُ فَفَسَحَتْ قُلُوْبُهُمْ وَ كَثِيْرٌ مِنْهُمْ فٰسِقُوْنَ
 (فرقان کریم، سوره مبارکه الحديد، آیه شریفه ۱۶)

مقدمه

بررسی تحلیلی تاریخ تحول جوامع بشری حکایت از آن دارد که مکتب اسلام به دلیل اصالت ذاتی و حقانیتی که از ناحیه شارع برای آن قرار داده شده است، پیوسته مورد اقبال و توجه عقول سلیم و قلوب پاک بوده است. با این حال، در گرانمایه نزد مسلمانان چنان که شایسته و بایسته بوده، پاس داشته نشده و لذا شاهد برخی از غفلت‌ها، انحراف‌ها و یا جهالت‌ها در موضوع التزام به اصول اسلامی و دعوت به آن بوده ایم. آنچه این وضعیت نامطلوب را نقد و اصلاح نموده، لطف الهی و اراده مردان و زنان مؤمنی بوده که توانسته خیزش‌های رهایی‌بخش و نهضت‌های اصلاحی را با هدف بازگشت به اسلام پدید آورد. بیداری اسلامی را می‌توان نظریه‌ای جامع و کاربردی در این زمینه ارزیابی نموده که دو ساحت نظر و عمل را در حیات انسان تحت تأثیر قرار داده است.

باعنایت به ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های نظریه «بیداری اسلامی» - از یک سو - و حساسیت‌ها و پیامدهای قابل توجه عملی آن - از سوی دیگر - دبیرخانه مطالعات بیداری اسلامی با هدف: اولاً- شناخت و تحلیل تحولات جاری در منطقه؛ ثانیاً- گمانه زنی و سناریوپردازی در خصوص آینده تحولات منطقه‌ای و جهانی؛ و بالاخره: ارایه راهبردها و راه کارهای مناسب برای مدیریت بیداری اسلامی جهت نیل به اهداف عالی آن در آینده؛ تأسیس

گردید. دبیرخانه ضمن تشکر از تمام اساتید، دانشجویان و محققانی که ما را در انجام این مهم و تحقق اهداف بیان شده، یاری نموده اند؛ از تمام کارشناسان و پژوهشگران تقاضا دارد با ارسال نظرات و آثار خود ما را در این راه دشوار علمی یاری رسانند. برای این منظور دبیرخانه مطالعات بیداری اسلامی^۱ آماده دریافت و نشر سایر آثار تکمیلی و اصلاحی می‌باشد.

دبیرخانه مطالعات بیداری اسلامی

۱. نشانی دبیرخانه: تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ساختمان جدید، طبقه پنجم، معاونت پژوهشی، دبیرخانه مطالعات بیداری اسلامی

بیانات رهبر معظم انقلاب در کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
السلام علیکم ورحمة الله

الحمد لله رب العالمین و الصلاة و السلام علی سیدنا محمد و آله الطاهرین
و صحبه المتنجبین و علی من تبهم باحسان الی یوم الدین.

قال الله الحکیم: «اذن



للذین یقاتلون بأنهم ظلموا و ان الله علی نصرهم لقدير. الذین اخرجوا من دیارهم بغير حق ألا ان یقولوا ربنا الله و لو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بيع و صلوات و مساجد یذكر فیها

اسم الله کثیرا و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز»^۲

۱. ۱۳۹۰/۷/۹

۲. حج: ۳۹ و ۴۰

به میهمانان عزیز و همه‌ی حضار گرمی خوشامد می‌گویم. در میان همه‌ی موضوعاتی که شایسته است نخبگان دینی و سیاسی از سراسر جهان اسلام به آن پردازند، مسئله‌ی فلسطین دارای برجستگی ویژه‌ای است. فلسطین، مسئله‌ی اول در میان همه‌ی موضوعات مشترک کشورهای اسلامی است. مشخصات منحصر به فردی در این مسئله وجود دارد: اول این که یک کشور مسلمان از ملت آن، غصب و به بیگانگانی که از کشورهای گوناگون گردآوری شده و جامعه‌ای جعلی و موزائیکی تشکیل داده‌اند، سپرده شده است.

دوم این که این حادثه‌ی بی‌سابقه در تاریخ، با کشتار و جنایت و ظلم و اهانت مستمر انجام گرفته است.

سوم آن که غلبه‌ی اول مسلمانان و بسیاری از مراکز محترم دینی که در این کشور قرار دارد، به تخریب و توهین و زوال تهدید شده است.

چهارم آن که این دولت و جامعه‌ی جعلی در حساسترین نقطه‌ی جهان اسلام، از آغاز تاکنون، نقش یک پایگاه نظامی و امنیتی و سیاسی را برای دولتهای استکباری بازی کرده و محور غرب استعماری که به علل گوناگون، دشمن اتحاد و اعتلاء و پیشرفت کشورهای اسلامی است، از آن همواره چون خنجر در پهلوی امت اسلامی استفاده کرده است.

پنجم آن که صهیونیسم که خطر اخلاقی و سیاسی و اقتصادی بزرگی برای جامعه‌ی بشری است، این جای پا را وسیله‌ای و نقطه‌ی اتکائی برای گسترش نفوذ و سلطه‌ی خود در جهان قرار داده است.

نکات دیگری را هم می‌توان بر اینها افزود: هزینه‌ی مالی و انسانی سنگینی که کشورهای اسلامی تاکنون پرداخته‌اند. اشتغال دهی دولتها و ملت‌های مسلمان. رنج میلیون‌ها آواره‌ی فلسطینی، که بسیاری از آنان پس از شش دهه هنوز در اردوگاه‌ها زندگی میکنند. انقطاع تاریخ یک کانون مهم تمدنی در جهان اسلام و الی غیر ذلک.

امروزه بر این دلائل، یک نکته‌ی کلیدی و اساسی دیگر افزوده شده است و آن، نهضت بیداری اسلامی است که سراسر منطقه را فرا گرفته و

فصل تازه و تعیین کننده‌ای در سرگذشت امت اسلامی گشوده است. این حرکت عظیم که بی‌گمان می‌تواند به ایجاد یک مجموعه‌ی مقتدر و پیشرفته و منسجم اسلامی در این نقطه‌ی حساس جهان منتهی شود و به حول و قوه‌ی الهی و بها عزم راسخ پیشروان این نهضت، نقطه‌ی پایان بر دوران عقب‌ماندگی و ضعف و حقارت ملت‌های مسلمان بگذارد، بخش مهمی از نیرو و حماسه‌ی خود را از قضیه‌ی فلسطین گرفته است.

ظلم و زورگویی روزافزون رژیم صهیونیستی و همراهی برخی حکام مستبد و فاسد و مزدور آمریکا با آن از یک سو، و سر برآوردن مقاومت جانانه‌ی فلسطینی و لبنانی و پیروزی‌های معجز‌آسای جوانان مؤمن در جنگ‌های سی و سه روزه‌ی لبنان و بیست و دو روزه‌ی غزه از سوی دیگر، از جمله‌ی عوامل مهمی بودند که اقبال‌س بظاهر آرام ملت‌های مصر و تونس و لیبی و دیگر کشورهای منطقه را به تلاطم در آوردند.

این یک واقعیت است که رژیم سرآپا مسلح صهیونیست و مدعی شکست‌ناپذیری، در لبنان در جنگی نابرابر، از مشت گره‌شده‌ی مجاهدان مؤمن و دلاور، شکست سخت و ذلت‌باری خورد؛ و پس از آن، در برابر مقاومت مظلومانه و پولادین غزه، بار دیگر شمشیر کد خود را آزمود و ناکام ماند. اینها باید در تحلیل اوضاع کنونی منطقه مورد ملاحظه‌ی جدی قرار گیرد و درستی هر تصمیمی که گرفته می‌شود، با آن سنجیده شود.

پس این، قضاوت دقیقی است که مسئله‌ی فلسطین، امروز اهمیت و فوریت مضاعف یافته است و ملت فلسطین حق دارد که در اوضاع کنونی منطقه، انتظار بیشتری از کشورهای مسلمان داشته باشد. نگاهی به گذشته و حال بیندازیم و برای آینده، نقشه‌ی راهی ترسیم کنیم. من رنوس مطالبی را در میان می‌گذارم.

بیش از شش دهه از فاجعه‌ی غصب فلسطین می‌گذرد. عوامل اصلی این فاجعه‌ی خونین، همه شناخته شده‌اند و دولت استعمارگر انگلیس در رأس آنهاست، که سیاست و سلاح و نیروی نظامی و امنیتی و اقتصادی و فرهنگی

آن و سپس دیگر دولتهای مستکبر غربی و شرقی، در خدمت این ظلم بزرگ به کار افتاد. ملت بی‌پناه فلسطین در زیر چنگال بی‌رحم اشغالگران، قتل‌عام و از خانه و کاشانه‌ی خود رانده شد. تا امروز هنوز یک صدم فاجعه‌ی انسانی و مدنی‌ای که به دست مدعیان تمدن و اخلاق، در آن روزگار اتفاق افتاد، به تصویر کشیده نشده و بهره‌ای از هنرهای رسانه‌ای و تصویری نیافته است. اربابان عمده‌ی هنرهای تصویری و سینما و تلویزیون و مافیاهای فیلمسازی غربی این را خواسته و اجازه‌ی آن را نداده‌اند. یک ملت در سکوت، قتل‌عام و آواره و بی‌خانمان شد.

مقاومتهائی در آغاز کار پدید آمد که با شدت و قساوت سرکوب شد. از بیرون مرزهای فلسطین و عمدتاً از مصر، مردانی با انگیزه‌ی اسلامی تلاشهایی کردند که از حمایت لازم برخوردار نشد و نتوانست تأثیری در صحنه بگذارد.

پس از آن، نوبت به جنگهای رسمی و کلاسیک میان چند کشور عرب با ارتش صهیونیست رسید. مصر و سوریه و اردن نیروهای نظامی خود را وارد صحنه کردند، ولی کمک بی‌دریغ و انبوه و روزافزون نظامی و تدارکاتی و مالی از سوی آمریکا و انگلیس و فرانسه به رژیم غاصب، ارتشهای عربی را ناکام کرد. آنها نه فقط نتوانستند به ملت فلسطین کمک کنند، که بخشهای مهمی از سرزمینهای خود را هم در این جنگها از دست دادند.

با آشکار شدن ناتوانی دولتهای عرب همسایه با فلسطین، بتدریج هسته‌های مقاومت سازمان‌یافته در قالب گروه‌های مسلح فلسطینی شکل گرفت و پس از چندی از گرد آمدن آنها، «سازمان آزادی‌بخش فلسطین» تشکیل یافت. این برق‌امیدی بود که خوش درخشید، ولی طولی نکشید که خاموش شد. این ناکامی را میتوان به علل متعددی منسوب کرد، ولی علت اساسی، دوری آنان از مردم و از عقیده و ایمان اسلامی آنان بود. ایدئولوژی چپ و یا صرفاً احساسات ناسیونالیستی، آن چیزی نبود که مسئله‌ی پیچیده و دشوار فلسطین به آن نیاز داشت. آنچه میتوانست ملتی را به میدان مقاومت

وارد کند و نیروئی شکست‌ناپذیر از آنان فراهم آورد، اسلام و جهاد و شهادت بود. آنها این را بدرستی درک نکردند. من در ماه‌های اول انقلاب کبیر اسلامی که سران سازمان آزادیبخش روحیه‌ی تازه‌ای یافته و به تهران مکرراً آمد و شد میکردند، از یکی از ارکان آن سازمان پرسیدم: چرا پرچم اسلام را در مبارزه‌ی بحق خود بلند نمیکنید؟ پاسخ او این بود که در میان ما، بعضی هم مسیحی‌اند. این شخص بعدها در یک کشور عربی به دست صهیونیستها ترور و کشته شد و ان‌شاءالله مشمول مغفرت الهی قرار گرفته باشد؛ ولی این استدلال او ناقص و نارسا بود. به گمان من، یک مبارز مسیحی مؤمن در کنار یک جمیع مجاهد فداکاری که خالصانه، با ایمان به خدا و قیامت و با امید به کمک الهی می‌جنگد و از حمایت مادی و معنوی مردمش برخوردار است، انگیزه‌ی بیشتری برای مبارزه می‌یابد تا در کنار گروه بی‌ایمان و متکی به احساسات ناپایدار و دور از پشتیبانی وفادارانه‌ی مردمی.

نبود ایمان راسخ دینی و انقطاع از مردم، بتدریج آنان را خنثی و بی‌تأثیر کرد. البته در میان آنان، مردان شریف و پراگیزه و غیور بودند، ولی مجموعه و سازمان به راه دیگری رفت. انحراف آنان، به مسئله‌ی فلسطین ضربه زد و هنوز هم میزند. آنها هم مانند برخی دولتهای خائن عربی، به آرمان مقاومت - که تنها راه نجات فلسطین بوده و هست - پشت کردند و البته نه فقط به فلسطین، که به خود هم ضربه‌ی سختی وارد کردند. به قول شاعر مسیحی عرب:

لئن اضعتم فلسطیناً فعیشکم

طول الحیاة مضاضات وءالام

سی و دو سال از عمر نکبت، بدین ترتیب سپری شد؛ ولی ناگهان دست قدرت خداوند ورق را برگردانید. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷ - ۱۹۷۹ هجری شمسی - اوضاع این منطقه را زیر و رو کرد و صفحه‌ی جدیدی را گشود. در میان تأثیرات شگرف جهانی این انقلاب و ضربه‌های شدید و عمیقی که بر سیاستهای استکباری وارد ساخت، از همه

سریع تر و آشکارتر، ضربه به دولت صهیونیست بود. اظهارات سران آن رژیم در آن روزها، خواندنی و حاکی از حال و روز سیاه و پر اضطراب آنهاست. در اولین هفته های پیروزی، سفارت دولت جعلی اسرائیل در تهران تعطیل و کارکنان آن اخراج شدند و محل آن رسماً به نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین داده شد؛ که تا امروز هم در آنجا مستقرند.

امام بزرگوار ما اعلام کردند که یکی از هدفهای این انقلاب، آزادی سرزمین فلسطین و قطع غدهی سرطانی اسرائیل است. امواج پر قدرت این انقلاب، که آن روز همه ی دنیا را فرا گرفت، هر جا رفت - با این پیام رفت که «فلسطین باید آزاد شود». گرفتاری های پیایی و بزرگی که دشمنان انقلاب بر نظام جمهوری اسلامی ایران تحمیل کردند - که یک قلم آن، جنگ هشت ساله ی رژیم صدام حسن به تحریک آمریکا و انگلیس و پشتیبانی رژیمهای مرتجع عرب بود - نیز نتوانست انگیزه ی دفاع از فلسطین را از جمهوری اسلامی بگیرد.

بدینگونه خون تازه ای در رگهای فلسطین دمیده شد. گروه های مجاهد فلسطینی مسلمان سر برآوردند. مقاومت لبنان، جبهه ی نیرومند و تازه ای در برابر دشمن و حامیانش گشود. فلسطین به جای تکیه به دولتهای عربی و بدون دست دراز کردن به سوی مجامع جهانی، از قیل سازمان ملل - که شریک جرم دولتهای استکباری بودند - به خود، به جوانان خود، به ایمان عمیق اسلامی خود و به مردان و زنان فداکار خود تکیه کرد. این، کلید همه ی فتوحات و موفقیتهاست.

در سه دهه ی گذشته، این روند روزبه روز پیشرفت و افزایش داشته است. شکست ذلتبار رژیم صهیونیستی در لبنان در سال ۲۰۰۶ - ۱۳۸۵ هجری شمسی - ناکامی فضاختبار آن ارتش پر مدعا در غزه در سال ۲۰۰۸ - ۱۳۸۷ هجری شمسی - فرار از جنوب لبنان و عقب نشینی از غزه، تشکیل دولت مقاومت در غزه، و در یک جمله، تبدیل ملت فلسطین از مجموعه ای

از انسانهای درمانده و ناامید، به ملت امیدوار و مقاوم و دارای اعتماد به نفس، مشخصه‌های بارز سی سال اخیر است.

این تصویر کلی و اجمالی آنگاه کامل خواهد شد که تحرکات سازشکارانه و خیانتباری که هدف از آن، خاموش کردن مقاومت و اعتراف‌گیری از گروههای فلسطینی و دولتهای عرب به مشروعیت اسرائیل بود، نیز بدرستی دیده شود. این تحرکات که آغاز آن به دست جانشین خائن و ناخلف جمال عبدالناصر در پیمان ننگین «کمپ دیوید» اتفاق افتاد، همواره خواسته است نقش سحران را در عزم پولادین مقاومت ایفاء کند. در قرارداد کمپ دیوید، برای نخستین بار، یک دولت عرب، رسماً به صهیونیستی بودن سرزمین اسلامی فلسطین اعتراف کرد و پای نوشته‌ای را که در آن، اسرائیل خانه‌ی ملی یهودیان شناخته شده است، امضای خود را گذاشت.

از آن پس تا «قرارداد اسل» در سال ۱۹۹۳ - ۱۳۷۲ هجری شمسی - و پس از آن در طرح‌های تکمیلی که با میداداری آمریکا و همراهی کشورهای استعمارگر اروپائی، پی‌درپی بر دوش گروه‌های سازشکار و بی‌همتی از فلسطینیان گذاشته شد، همه‌ی سعی دشمن بر آن بود که با وعده‌های پوچ و فریب‌آمیز، ملت و گروه‌های فلسطینی را از گریزی «مقاومت» منصرف کنند و به بازی ناشیانه در میدان سیاست سرگرم سازند. بی‌اعتباری همه‌ی این معاهدات، بسیار زود آشکار شد و صهیونیستها و حامیان آنها بارها نشان دادند که به آنچه نوشته شده است، به چشم ورق پاره‌های بی‌ارزشی مینگرند. هدف از این طرحها، پدید آوردن دودلی در فلسطینیان و به طمع انداختن افراد بی‌ایمان و دنیاطلب آنان، و زمینگیر نمودن حرکت مقاومت اسلامی بوده است و بس.

پادزهر همه‌ی این بازی‌های خیانت‌آمیز تاکنون، روحیه‌ی مقاومت در گروه‌های اسلامی و ملت فلسطین بوده است. آنها به اذن خدا در برابر دشمن ایستادند و همان طور که خداوند وعده داده است که: «و لینصرن الله من ينصره ان الله لقوی عزیز»، از کمک و نصرت الهی برخوردار شدند.

ایستادگی غزه با وجود محاصره‌ی کامل، نصرت الهی بود. سقوط رژیم خائن و فاسد حسنی مبارک، نصرت الهی بود. پدید آمدن موج پرقدرت بیداری اسلامی در منطقه، نصرت الهی است. برافتادن پرده‌ی نفاق و تزویر از چهره‌ی آمریکا و انگلیس و فرانسه و تنفر روزافزون ملت‌های منطقه از آنان، نصرت الهی است. گرفتاری‌های پی‌درپی و بیشمار رژیم صهیونیست، از مشکلات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی داخلی‌اش گرفته تا انزوای جهانی و انزجار عمومی و حتی دانشگاه‌های اروپائی از آن، همه و همه مظاهر نصرت الهی است. امروز رژیم صهیونیستی از همیشه منفورتر و ضعیف‌تر و منزوی‌تر، و حامی اصلی‌اش آمریکا از همیشه گرفتارتر و سردرگم‌تر است.

اکنون صفحه‌ی کلی و اجمالی فلسطین در شصت و چند سال گذشته، پیش روی ماست. آینده را باید با نگاه به آن و درس‌گیری از آن تنظیم کرد.

دو نکته را پیشاپیش باید روشن کرد: اول این که مدعای ما آزادی فلسطین است، نه آزادی بخشی از فلسطین. هر طرحی که بخواهد فلسطین را تقسیم کند، یکسره مردود است. طرح دو دولت که لباس حق به جانب «پذیرش دولت فلسطین به عضویت سازمان ملل» را بر آن پوشانده‌اند، چیزی جز تن دادن به خواسته‌ی صهیونیست‌ها، یعنی «پذیرش دولت صهیونیستی در سرزمین فلسطین» نیست. این به معنای پایمال کردن حق ملت فلسطین، نادیده گرفتن حق تاریخی آوارگان فلسطینی، و حتی تهدید حق فلسطینیان ساکن سرزمین‌های ۱۹۴۸ است؛ به معنای باقی ماندن غده‌ی سرطانی و تهدید دائمی پیکره‌ی امت اسلامی، مخصوصاً ملت‌های منطقه است؛ به معنای تکرار رنج‌های ده‌ها ساله و پایمال کردن خون شهداست.

هر طرح عملیاتی باید بر مبنای اصل «همه‌ی فلسطین برای همه‌ی مردم فلسطین» باشد. فلسطین، فلسطین «از نهر تا بحر» است، نه حتی یک وجب کمتر. البته این نکته نباید نادیده بماند که ملت فلسطین همان طور که در غزه عمل کردند، هر بخش از خاک فلسطین را که بتوانند آزاد کنند، به

وسیله‌ی دولت برگزیده‌ی خود، اداره‌ی امور آن را بر عهده خواهند گرفت، ولی هرگز هدف نهانی را از یاد نخواهند برد.

نکته‌ی دوم آن است که برای دستیابی به این هدف والا، کار لازم است، نه حرف؛ جدی بودن لازم است، نه کارهای نمایشی؛ صبر و تدبیر لازم است، نه رفتارهای بیصبرانه و دچار تلون. باید به افقهای دور نگریست و قدم به قدم با عزم و توکل و امید به پیش رفت. دولتها و ملت‌های مسلمان، گروه‌های مقاومت در فلسطین و لبنان و دیگر کشورها، هر یک میتوانند نقش و سهم خود از این مجاهدت همگانی را بشناسند و باذن الله جدول مقاومت را پر کنند.

طرح جمهوری اسلامی برای حل قضیه‌ی فلسطین و التیام این زخم کهنه، طرحی روشن، منطقی و منطبق بر معارف سیاسی پذیرفته شده‌ی افکار عمومی جهانی است که قبلاً به تفصیل ارائه شده است. ما نه جنگ کلاسیک ارتش‌های کشورهای اسلامی را پیشنهاد میکنیم، و نه به دریا ریختن یهودیان مهاجر را، و نه البته حکمیت سازمان ملل و دیگر سازمان‌های بین‌المللی را؛ ما همه‌پرسی از ملت فلسطین را پیشنهاد میکنیم. ملت فلسطین نیز مانند هر ملت دیگر حق دارد سرنوشت خود را تعیین کند و نظام حاکم بر کشورش را برگزیند. همه‌ی مردم اصلی فلسطین، از مسلمان و مسیحی و یهودی - نه مهاجران بیگانه - در هر جا هستند؛ در داخل فلسطین، در اردوگاه‌ها و در هر نقطه‌ی دیگر، در یک همه‌پرسی عمومی و منضبط شرکت کنند و نظام آینده‌ی فلسطین را تعیین کنند. آن نظام و دولت برآمده‌ی از آن پس از استقرار، تکلیف مهاجران غیر فلسطینی را که در سالیان گذشته به این کشور کوچ کرده‌اند، معین خواهد کرد. این یک طرح عادلانه و منطقی است که افکار عمومی جهانی آن را بدرستی درک میکند و میتواند از حمایت ملتها و دولتهای مستقل برخوردار شود. البته انتظار نداریم که صهیونیست‌های غاصب به‌آسانی به آن تن در دهند، و اینجاست که نقش دولتها و ملتها و سازمان‌های مقاومت شکل میگیرد و معنی می‌یابد. مهمترین رکن حمایت از ملت

فلسطین، قطع پشتیبانی از دشمن غاصب است؛ و این وظیفه‌ی بزرگ دولتهای اسلامی است.

اکنون پس از به میدان آمدن ملتها و شعارهای قدرتمندانه‌ی آنان بر ضد رژیم صهیونیست، دولتهای مسلمان با چه منطقی روابط خود با رژیم غاصب را ادامه میدهند؟ سند صداقت دولتهای مسلمان در جانبداری‌شان از ملت فلسطین، قطع روابط آشکار و پنهان سیاسی و اقتصادی با آن رژیم است. دولتهائی که میزبان سفارتخانه‌ها یا دفاتر اقتصادی صهیونیست‌هایند، نمیتوانند مدعی دفاع از فلسطین باشند و هیچ شعار ضد صهیونیستی از سوی آنان، جدی و واقعی تلقی نخواهد شد.

سازمانهای مقاومت اسلامی که بار سنگین جهاد را در سالهای گذشته بر دوش داشته‌اند، امروز نیز با همان تکلیف بزرگ روبه‌رویند. مقاومت سازمان‌یافته‌ی آنان، بازوی فعالی است که میتواند ملت فلسطین را به سوی این هدف نهائی به پیش ببرد. مقاومت شجاعانه از سوی مردمی که خانه و کشورشان اشغال شده، در همه‌ی میثاقهای بین‌المللی به رسمیت شناخته شده و مورد تحسین و تجلیل قرار گرفته است. تهمت تروریزم از سوی شبکه‌ی سیاسی و رسانه‌ای وابسته به صهیونیسم، سخن پوچ و بی‌ارزشی است. تروریست آشکار، رژیم صهیونیستی و حامیان غربی آنهایند؛ و مقاومت فلسطینی، حرکتی ضد تروریستهای جرّار و حرکتی انسانی و مقدس است.

در این میان، کشورهای غربی نیز شایسته است صحت را با نگاهی واقع‌بینانه بنگرند. غرب امروز بر سر دوراهی است. یا باید دست از زورگوئی طولانی‌مدت خود بردارد و حق ملت فلسطین را بشناسد و بیش از این از نقشه‌ی صهیونیستهای زورگو و ضد بشر پیروی نکند، و یا در انتظار ضربه‌های سخت‌تر در آینده‌ی نه چندان دور باشد. این ضربه‌های فلج‌کننده فقط سقوط پی‌درپی حکومت‌های گوش به فرمان آنان در منطقه‌ی اسلامی نیست، بلکه آن روزی که ملتهای اروپا و آمریکا دریابند که بیشترین گرفتاری‌های اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی آنان منشأ گرفته از سلطه‌ی

اختاپوسی صهیونیزم بین الملل بر دولتهای آنهاست، و دولتمردان آنان به خاطر منافع شخصی و حزبی خود، مطیع و تسلیم در برابر زورگوئی‌های کمپانی‌داران زالوصفت صهیونیست در آمریکا و اروپایند، آنچنان جهنمی برای آنان به وجود خواهند آورد که هیچ راه خلاصی از آن متصور نیست.

رئیس جمهور آمریکا میگوید که امنیت اسرائیل خط قرمز اوست. این خط قرمز را چه عاملی ترسیم کرده است؟ منافع ملت آمریکا، یا نیاز شخص اوپاما به پول و پشتیبانی کمپانی‌های صهیونیستی برای به دست آوردن کرسی دومین دوره ریاست جمهوری؟ تا کی شماها خواهید توانست ملت‌های خود را فریب دهید؟ آن روزی که ملت آمریکا بدرستی دریابد که شماها برای چند صباح بیشتر باقی ماندن در قدرت، تن به ذلت و تبعیت و خاکساری در برابر زرسالاران صهیونیست داده‌اید و مصالح ملت بزرگی را در پای آنان قربانی کرده‌اید با شما چه خواهند کرد؟

حضار گرامی و برادران و خواهران عزیز! بدانید این خط قرمز اوپاما و امثال او به دست ملت‌های به‌پاخاسته‌ی مسلمان شکسته خواهد شد. آنچه رژیم صهیونیست را تهدید میکند، موشک‌های ایران یا گروه‌های مقاومت نیست، تا در برابر آن سپر موشکی در اینجا و آنجا به پا کنند؛ تهدید حقیقی و بدون علاج، عزم راسخ مردان و زنان و جوانانی در کشورهای اسلامی است که دیگر نمی‌خواهند آمریکا و اروپا و عوامل دست‌نشانده‌شان بر آنان حکومت و تحکم و آنان را تحقیر کنند. البته آن موشک‌ها هم هرگاه تهدیدی از سوی دشمن بروز کند، وظیفه‌ی خود را انجام خواهند داد. «فأصبر إن وعد الله حقّ ولا یستخفّنک الذین لا یوقنون»^۱.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته